



مدیریت تسخیری به نخبه احتیاج ندارد/ اقتضای نخبگی حرکت و نوآوری است

یک استاد بازنشسته فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی گفت: اگر قرار است سرجای مان در جا بزیم دیگر احتیاجی به نخبه نداریم ...

یک استاد بازنشسته فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی گفت: اگر قرار است سرجای مان در جا بزیم دیگر احتیاجی به نخبه نداریم تازه از نخبه بدمان هم می آید زیرا اقتضای نخبه حرکت است اما ما خوشمان نمی آید اگر فضایی باشد که از وضعیت علوم انسانی بشود انتقاد کرد بویژه در صدا و سیما می تواند کارگشا باشد. دکتر "سید یحیی یثربی" در مورد اینکه در نظریه های نخبه گرایی بحث چرخش نخبگان مطرح است. بر این اساس چرخش نخبگان در جمهوری اسلامی ایران بر اساس چه مکانیسمهایی صورت می گیرد آیا شایستگی و نخبگی باعث این چرخش می شود به خبرنگار مهر گفت: نیاز به نخبه و به سراغ نخبه رفتن با موعظه و نصیحت و ادعا امکان ندارد. باید زمینه کار وجود داشته باشد، زمینه توجه به نخبه، علمی بودن جامعه است. جامعه اگر علمی باشد مدیریت صنایع جنبه علمی داشته باشند برای گردش کار خود نیازمند نخبگان خواهند بود. اگر جامعه علمی باشد مدیریت ها و صنایع علمی باشند نه سلیقه ای و مونتاژی حتماً به سراغ نخبه خواهد رفت تا کار را بهتر بچرخاند.

وی افزود: اما اگر در جامعه حالت علمی بودن جدی نباشد در آن صورت نخبه آواره است و به او هم توجه بشود تشریفاتی است. مثل اینکه روزی را به عنوان نخبگان تعیین کنند و یا کمک مالی به نخبگان کنند اینها را نمی گوئیم کلاً بی حاصل است اما اصل هدف از وجود نخبه اینها نیست. مثلاً کار در دست غیر نخبه باشد ادعا کند که من نخبه پرور هستم یعنی نخبه ها را حقوق می دهم سازمانی برایشان درست می کنم.

این استاد بازنشسته فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی ادامه داد: برای حل این مشکل باید به روزی برسیم که جامعه ما مدیریت را تسخیری نداند بلکه تدبیری بداند یعنی مدیریت طوری نباشد که آن را قبضه کنند مدیریت طوری باشد که آن را اداره کنند. در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم مدیریت ها تسخیری است مثل چند صد سال گذشته هر کسی می خواهد یک جایی را تسخیر کند. وزیر بشود این وزارتخانه مال تو آن مال من، اما چه کسی انجا را بهتر می تواند اداره کند این مطرح نیست. این مسئله در نظام تدبیری مطرح است بنابراین چرخش نخبگان و اصولاً توجه به نخبه در جامعه ما مشکل است.

این محقق و پژوهشگر حوزه علوم اسلامی و تفسیر قرآن اظهار داشت: برای مثال رابطه دانشگاه ها با مراکز مدیریتی و صنعتی خیلی ضعیف است. حدود 17 سال پیش در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی قانونی تصویب کردند که کارخانه ها مجبورند درصدی را به دانشگاه ها بدهند و با دانشگاه ها ارتباط برقرار کنند، یعنی یک ارتباط زوری و دستوری، این فایده ندارد. باید صنایع ما حالت مونتاژ نداشته باشند مال خودمان باشند آنوقت خود به خود احتیاج به نخبه پیدا می کند. تویوتای ژاپن به نخبگان ژاپن نیازمند است اما صنایعی که ما مونتاژ می کنیم چون مونتاژ می کنیم نیاز به نخبه نخواهند داشت. امروز تویوتا را مونتاژ می کنیم اگر نشد فردا از فرانسه پژو را می گیریم و مونتاژ می کنیم.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه ادامه داد: اگر مدیریت ها تدبیری و علمی بودند باید اطراف وزیر و مدیر کل و مسئولان پر از نخبگان و کارشناسان نخبه از رشته های مختلف بود. بنابراین باید روزی به اهمیت نخبگان برسیم. اما این رسیدن فقط با معجزه نیست باید در فرهنگ و شرایط جامعه امان یک دگرگونی عمیقی صورت گیرد. مدیریت امان از حالت تسخیری و سلیقه ای و جناحی بیرون بیاید زیرا اینکه تو از این جناحی این مدیریت مال تو، است اما چقدر بلد هستی که کار را بهتر اداره کنی مطرح نیست. بنابراین صنایع مان باید بومی شود از مونتاژ گرایی دربیایند. دیگر آنوقت آنها دائماً رو به دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی خواهند آورد و نخبگان را رو هوا خواهند برد. چنانچه کشورهای پیشرفته جهان نخبگان جهان سوم را رو هوا می برند. زیرا به آنها احتیاج دارند زیرا مدیریتشان علمی است.

یثربی در مورد اینکه دانشگاه ها و محافل علمی و حوزوی ما چه میزان در تربیت نخبگان مؤثر بوده اند یادآور شد: یک مشکلی هم دانشگاه ها هم حوزه های ما دارند آن این است که می خواهند همینطور سنتی بمانند تحولی در آنها پیدا نشود. نخبه در شرایط سنتی کاربردی ندارد نخبه در نوآوری ها و حرکت خودش را نشان می دهد در توقف نخبه و غیر نخبه چندان فرقی ندارند. اما اگر بخواهیم تحول داشته باشیم در حرکت باشیم حرف روزمان را بزیم، آنوقت بدون تردید گردش کار ما بدون نخبگان امکان نخواهد داشت. دانشگاه های ما هم همینطور. در علوم انسانی که بعضی ها می گویند مرده ایم. حداقلش این است که در گذشته مانده ایم.

وی افزود: در منطق هنوز در جنس و فصل مانده ایم و نمی خواهیم در حوزه و دانشگاه منطقی تدریس کنیم که دنیا با زبانش آشنا

بشود و دنیا از آن یاد بگیرد. همینطور در معرفت شناسی امان همینطور در روش مان. ما تمام وقتمان را در حد حاشیه نویسی صرف می کنیم یک نظریه پرداز در علوم انسانی نیستیم تا نیازی به نخبه داشته باشیم.

این استاد بازنشسته فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی ادامه داد: اگر قرار است سر جای مان در جا بزنیم دیگر احتیاجی به نخبه نداریم تازه از نخبه بدمان هم می آید زیرا اقتضای نخبه حرکت است. اما ما خوشمان نمی آید. اگر فضایی باشد که از وضعیت علوم انسانی بشود انتقاد کرد بویژه در صدا و سیما می تواند کارگشا باشد